



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



13 جولای 2024

داکتر سید عبدالله کاظم

به تقریب پنجاه و یکمین سالروز کودتای 26 سرطان 1352

اقدامات اولیه نظام جمهوری بعد از موفقیت کودتا

رویدادها در همان روز بعد از ایراد بیانیه "اعلام جمهوری":

از همان ساعات اول که محمد داؤد پس از ایراد اولین بیانیه به منزل خود برگشت، آمدن بعضی دوستان جهت عرض تبریک آغاز شد و اما دو خبر عمده آرامش او را بر هم زد: یکی خبر مقاومت ملکه حمیرا که دروازه حرم سرا را بسته و نمیخواست تسلیم شود، مگر آنکه برای همه شان اجازه سفر فوری به ایتالیا داده شود (شرح مختصر آن بعداً ذکر میشود) و دیگر خبر تصادم تانک حبیب الله زرمتی - یکی از فعالان کودتا در حاشیه دریای کابل و وفات او و سه نفر از همکارانش در این سانحه که برای کودتاجیان و بخصوص برای شخص محمد داؤد موجب تأثر عمیق گردید.

در همین روز مشکل دیگری که بوجود آمد، همانا رفتن جنرال خان محمد خان مرستیال به حیث وزیر دفاع به آن وزارت بود که شرح آنرا داکتر شرق با این عبارات بیان میکند: «در همین روز اطلاع دادند که تورنجنرال خان محمد خان مشهور به "مرستیال" بوزارت دفاع رفته و بحیث وزیر دفاع خودسرانه اوامری جهت تبدیل و ترفیع صاحب منصبان مورد نظر خویش صادر می نماید. از محمد داؤد پرسیده شد، او اطلاع نداشتند. به پیغامی از وی خواهش بعمل آمد تا بخانه محمد داؤد تشریف آورند. گفته بود من به وظیفه خود تا زمانیکه لازم باشد، ادامه خواهم داد. از آنرو غوث الدین فایق با چند نفر دیگر فرستاده شد تا قهراً او را از وزارت دفاع اخراج نماید.» داکتر شرق می افزاید: «او [خان محمد مرستیال] که جهت ادای احترام نزد محمد داؤد آمده بود، به دگر جنرال سید حسن خان گفته بود که این چند نفر ضابط بی سابقه لیاقت زعامت را نداشته، شخصاً باید اداره کشور را بدست گیرم...» (کرباس پوشها... صفحه 116)

اما داکتر شرق در کتاب "تأسیس و تخریب جمهوری" رفتن خان محمد مرستیال را در وزارت دفاع به نحوی متفاوت از متن قبلی خود بیان میکند و می نویسد: «در میان این دید و بازدید های سرور آفرین خبر دادند که جنرال خان محمد خان مشهور به مرستیال که جهت ادای احترام به جمع دیگران بخانه محمد داؤد آمده بود، بفهم استفاده از گرفتاری شان و رخنه کردن در اردو به وزارت دفاع رفته و بحیث وزیر دفاع اوامری برای جابجا کردن صاحب منصبان مورد نظر خویش صادر میکند. بناءً به هدایت محمد داؤد احمد ضیاء مجید با چند صاحب منصب دیگر فرستاده شد تا او را از وزارت دفاع اخراج کنند.» ("تأسیس و تخریب جمهوری.. صفحه 174) در دو متن فوق داکتر شرق در موضوع گویا "اخراج" مرستیال از وزارت دفاع دچار تناقض میگردد، چنانچه در اول از غوث الدین فایق نام می برد و بعد از ضیاء مجید و در عین زمان لحن بیانش نیز در دو متن از هم متفاوت میباشد.

غوث الدین فایق شرحی متفاوت در زمینه دارد، او می نویسد: «پرویز دوم [اول] انقلاب [کودتا] بخانه سردار محمد داؤد به هدایت کاری رفته. مرحومی در صحن چمن منزلش با سیدحسن خان و خان محمدخان مرستیال و جنرال مستغنی در خلال صحبت بودند. من با دیدن او شان مقرری یک سرپرست بوزارت دفاع باخاطرم رسید، فکر کردم که جنرالان مذکور را ممکن به همین مناسبت خواسته باشد، من بحضور شان یادآور شدم که برای سرپرستی وزارت دفاع کسی تعیین شده یا نه؟ رئیس جمهور [دولت] گفتند: یکی از شما برای باز کردن دروازه وزارت دفاع و رسیدگی بکارها بروید، از کسی ذکر نام نکرد. جنرال سیدحسن گفت من میروم و مستغنی

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

میخواست که برود. خان محمدخان مرستیال بصوب وزارت دفاع روان شد و مرا گفت بیا، برویم. نزدیک دروازه خروجی منزل، رئیس جمهور مرا خواست و گفت چند نفر رفقای خود را همراهی گرفته برو، فکر خود را بگیر که خان محمدخان یک جنرال "دست ماشور" [یعنی در هر کار تشبث ناموزون کردن] و ایدیالیست است، به کدام عمل دست نزنند. مرستیال مرا گفت که سردار صاحب به شما چه گفت؟ من گفتم به من هدایت داد که شرایط انقلاب است، مرستیال یک جنرال قیمت دار اردو است، در حصه سکیوریتی [محافظة] و امنیت اش محتاط باشید. وقتیکه به دروازه وزارت دفاع رسیدیم... مرستیال را به افسران معرفی و بچوکی وزارت نشانیدم و خودم به اتاق یاور، مهمانان که به تبریکی می آمدند از آنها پذیرائی میکردم.»

فایق در ادامه می نویسد: «دوساعت بعد کسی برایم گفت که مستغنی صاحب به حیث لوی درستیز آمده، چوکی خود را اشغال کرده، چند لحظه بعد مرستیال مرا خواست که رئیس صاحب دولت با شما گپ میزند. گوشکی را بالا کردم گفت: همراه مرستیال نزد من آئید. بعد با مرستیال نزد رئیس دولت رفتیم. رئیس دولت خان محمدخان را گفت: فعلاً شما بخانه خود بروید، من شما را میخوام. به اینصورت محمد داؤد خان، عبدالکریم مستغنی یکی از جنرالهای ورزیده طرف اعتماد، همکار سابقه دار خود را بحیث لوی درستیز وزارت دفاع مقرر نمود و غلام حیدر [رسولی] دگروال متقاعد را که یکی از سرگروپهای فعال در کودتا بود، به تورن جنرالی رفع تقاعد کرده به حیث قوماندان قوای مرکز گماشت.» (فایق: "رازی را که... صفحه 104 - 106)

ذکر موضوع فوق به این ارتباط مهم است که گفته میشود: خان محمد مرستیال از این رویداد سخت عقده بدل شد و احتمالاً به فکریک عملیه بالمثل یعنی کودتا علیه نظام جدید افتاد، چنانچه بعد از دوماه دولت جمهوری کشف یک کودتا را اعلام داشت که بنام "کودتای میوندوال" [صدراعظم سابق] شهرت یافت، در حالیکه محرک و مبنای اصلی آن به گمان اغلب بیشتر از هر کس دیگر، همین جنرال خان محمدخان مرستیال بوده است. (برای معلومات مزید و جوانب مختل موضوع دیده شود: کتاب "زندگی سیاسی شهید محمد داؤد از آغاز تا انجام"، از این قلم، جلد دوم، صفحه 601 تا 620)

جنرال زکریا ابوی در مورد خان محمد خان و نیز جنرال مستغنی می نویسد: «جنرال خان محمد خان مشهور و ملقب به مرستیال (زمانی معاون و مرستیال لوی درستیز سید حسن خان) از پشتون های ولایت کنر بود، شخص دلاور و زیرک و تحصیل یافته لایق ترکیه، تیزفهم و قوماندان برجسته اردو بود. رفقاییش نسبت تیز فهم و هوشیاری اش او را خان محمد "زاغ" می گفتند، سخنور خوب در پشتو و دری بود و در وقت ماموریت یکی از دوستان بسیار نزدیک داؤد خان محسوب می شد، مگر شخص نا آرام، جاه طلب و دارائی پسند بود که عهده های مختلف و عالی را در اردو و ملکی عقب گذاشته بود و در ادوار مختلف کار و وظیفه داری خود چه در داخل اردو و چه در موضوعات سرحدی و پشتونستان و در امور ملکی و چه در حلقه قومی و مردم، دوستان بسیار بهم ریخته بود. (جنرال محمد زکریا ابوی: "از کودتا تا کودتا"، مجله نامه خراسان، شماره دوم، سال اول فبروری 1990، صفحه 45)

داکتر شرق در کتاب "کودتای پنجم سرخ و سیاه" در زمینه تقرر جنرال عبدالکریم مستغنی می نگارد: «کمیتة مرکزی پیشنهاد رئیس دولت را در تقرر جنرال مستغنی به حیث لوی درستیز و سید وحید عبدالله را به حیث معین سیاسی وزارت خارجه که در صف جمهوریخواهان [کودتاجیان] نبودند، به احترام رئیس دولت اما با آرامشی که نمایانگر عدم رضائیت کمیتة مرکزی بود، تصویب نمودند. زیرا آنها علاوه بر اینکه در کودتا سهیم نبودند، به نسبت وابسته بودن به نظام سلطنتی [؟؟] به جمهوریخواهان هم نظر مساعد نداشتند...» (حسن شرق: "کودتای پنجم سرخ و سیاه؟" - قسمت سوم، افغان جرمن آنلاین، صفحه 9)

داکتر شرق که متن فوق الذکر را در آخرین کتاب خود (منتشره سال 1394) نوشته اما در کتاب اول خود (کرباس پوشها...) ذکر نکرده است، با آنها از این معلوم میشود که داکتر شرق و رفقاییش که بعداً آنها را به "جمهوری خواهان" مسمی ساخته است، از همان روزهای اول برای خود پلان و هدف خاص در سر داشتند و میخواستند تا محمد داؤد را در قید نظر خویش محصور نگهدارند، بدون آنکه فکر کنند که اگر نام محمد داؤد به حیث رهبر کودتا نمی بود، مردم هیچیک کودتاجی ها را نمی شناختند و اردو نیز از قبول آنها ابا می ورزید. بهرحال این آغاز کار بود که ادامه آنرا میتوان در رویداد مسافرت ملکه به ایتالیا دریکی دو روز بعد آن مشاهده کرد.

تصاویر مهم اجلاس "کمیته مرکزی":

محمد داؤد بار اول از "کمیته مرکزی" بجای "سرگروپ های کودتا" وقتی نام برد که خبر تسلیمی سردار عبدالولی را با تفنگچه دستی او پاچاگل وفادار در همان حوالی ساعت 2:00 شب کودتا به محمد داؤد رسانید و داکتر شرق به پاچاگل تفنگچه را تبریک گفت و اما محمد داؤد به آنها خاطر نشان ساخت که: «ما برای چور چپاول و تقسیم مال، کودتا نمیکنیم... اگر کامیاب شدیم، مسئول امنیت، حفظ جان و مال مردم شخص شما در مقابل کمیته مرکزی خواهید بود.»

باهمین گفته روز بعد از کودتا یعنی بروز چهارشنبه 27 سرطان 1352 محمد داؤد شخصاً به وزارت دفاع رفت و دستورداد تا همه سرگروپ ها در آنجا تجمع نموده وبا حضور آنها تحت ریاست خودش اولین نشست بعد از کودتا زیر نام "کمیته مرکزی" دائر گردید. اشخاص ذیل در این اجلاس اشتراک داشتند که بعداً هریک بنام عضو کمیته مرکزی یاد شدند: 1 - محمد داؤد (رئیس)، 2 - حسن شرق (منشی) و اعضاء هریک: 3 - غلام حیدر رسولی، 4 - سید عبدالاله، 5 - فیض محمد، 6 - محمد سرور نورستانی، 7 - غوث الدین فایق، 8 - احمد ضیاء مجید، 9 - محمد یوسف فراهی، 10 - عبدالحمید محتاط، 11 - عبدالقدیر نورستانی، 12 - پاچاگل وفادار، 13 - مولاداد، 14 - عبدالخلیل (میاخلیل).



اولین عکس کمیته مرکزی جمهوری که بعد از کودتای 26 سرطان 1352 به نشر رسید

در ارتباط با اعضاء کمیته مرکزی نام اعضاء آن رسماً به نشر نرسید و فقط با انتشار یک عکس دسته جمعی دو سه روز بعد از کودتا مردم به هویت آنها پی بردند و هریک در مورد آنها تبصره های فراوان کردند. همچنان اسمای کسانی دیگری که در کودتا فعالانه در همان

شب اشتراک داشتند و سپس در ازای همین کار مستحق دو رتبه ترفیع شناخته شدند، نیز تا اکنون رسماً به نشر نرسیده است.

متعاقباً (روز پنجشنبه 28 سرطان) دومین نشست کمیته مرکزی دائر شد و طی این دو اجلاس موضوعات ذیل مطرح و در زمینه تصاویر لازم اتخاذ گردید:

- 1 - نام رسمی دولت از "دولت شاهی افغانستان" به "دولت جمهوری افغانستان" تغییر کرد؛
- 2 - قانون اساسی 1343 زمان شاهی ملغی گردید؛
- 3 - محمد داؤد رهبر کودتا به حیث رئیس دولت و صدراعظم و رئیس کمیته مرکزی شناخته شد و داکتر حسن شرق به حیث منشی آن کمیته تعیین گردید.

اعلام اعضاء کابینه اول جمهوری:

داکتر شرق می نویسد: «یک هفته بعد از طرف کمیته مرکزی جمهوریت اولین حکومت جمهوری افغانستان حسب ذیل تعیین و اعلام گردید: محمد داؤد علاوه بر وظایف ریاست دولت و صدارت متصدی وزارت خارجه و وزیر دفاع ملی، نویسنده [حسن شرق] بحیث معاون صدراعظم، داکتر عبدالمجید وزیر عدلیه، عبدالاله وزیر مالیه، فیض محمد وزیر داخله، غوث الدین فایق وزیر فواید عامه، عبدالحمید محتاط وزیر مخابرات، پاچاگل وفادار

تأکید بر تغییر ماهیت شکلی کمیته مرکزی به این دلیل مهم است که داکتر شرق بعداً زیر نام "جمهوریخواهان" به نکاتی اشاره میکند که گویا محمد داؤد بدون نظر کمیته مرکزی تصمیم اتخاذ و عمل کرده و لذا اینکار موجب آزردگی خاطر عده ای از اعضای آن کمیته شده و آنها به همین دلیل رهبر کودتا، رئیس دولت و صدراعظم را ملزم به خود کامگی و بی اعتنائی به کمیته مرکزی می سازند و آنرا موجب پیوستن همین اعضا به جناح ها مخالف بخصوص جناح خلق و پرچم میدانند، در حالیکه یک عده از اعضای کمیته مرکزی و نیز از اعضای کابینه قبلاً پیوند های نهان و عیان با جناح خلق و پرچم داشتند که یک واقعیت غیر قابل انکار است.

جنرال یحیی نورو- یکی از جنرالهای ورزیده اردوی افغانستان به این نظر است که: «رهبرانقلاب 26 سرطان فکر نمیکرد باید قدرتش متکی به یک حلقه محدود باشد. او باور داشت که باید نظام جدید دارای قاعده وسیع باشد. علاوه بر آن غالباً سردار محمد داؤد خان معتقد بود آن اشخاصیکه در موفقیت کودتا مفید واقع شده بودند، خورد ضابط هایی بودند که نسبت به دلایل مختلف کفایت آنها نداشتند در راس امور کشور قرار بگیرند و بالاخره چون داؤد خان آدمی نبود که تمایل زیاد به تقسیم قدرت داشته باشد، نمیخواست با ایجاد موجودیکه به خودش در اداره و صلاحیت تصمیم گیری آن شریک باشد حتی روزی با او مخالفت نماید، برای خود درد سر خلق کند، زیرا هرگاه کمیته [مرکزی] شکل رسمی را بخود میگرفت، داؤد خان مجبور می شد مشوره آنرا بطلد و متعاقباً مدنظر بگیرد. لهذا بر اساس دلایل فوق داؤد خان هیچگاه سعی نکرد تا "کمیته مرکزی" صورت رسمی را کسب نماید.» (اکرم، داکتر عاصم: "نگاهی به شخصیت، نظریان و سیاستهای سردار محمد داؤد"، ورجینا، 1380 ش، صفحه 207 - 208)

در مورد ماهیت کمیته مرکزی به حیث یک مرجع تصمیماتی مافوق قوه اجرائیه بعد از آنکه طی یکی دو جلسه نخستین تصمیم مهم را اتخاذ کرد، تغییری اساسی به وجود آمد به این زعم که همه اعضای آن جزء قوه اجرائیه شدند و به عنوان وزیر در کابینه و یا در قوماندانی های قطعات اردو توظیف گردیدند و با این ترتیب از نظر موقف همه آنها به حیث مامورین حکومت و مامور مادون رئیس دولت قرار گرفتند. چنانچه حسن شرق، عبدالاله، فیض محمد، فایق، پاچاگل و فادار و محتاط شامل کابینه شدند، حیدر رسولی قوماندان قوای مرکز، خلیل قوماندان قطعه مهتاب قلعه، سرور نورستانی قوماندان قوای 4، یوسف فراهی قوماندان قوای 15، ضیاء مجید قوماندان گارد جمهوری، قدیر نورستانی قوماندان ژاندارم و پولیس و مولاداد نیز در یکی از قطعات نظامی مقرر شدند که همه آنها زیر اثر رئیس دولت و صدراعظم ایفای وظیفه میکردند. بناءً کمیته مرکزی استقلالیت و اهمیت خود را به حیث اورگان مافوق قوه اجرائیه عملاً از دست داد و در واقع ماهیت شکلی و مشورتی را به خود گرفت.

اعطای دو رتبه ترفیع به نظامیان کودتاجی و معضلات بعدی آن:

حسن شرق راجع به مصوبه کمیته مرکزی مبنی بر اعطای دو رتبه ترفیع برای شاملان کودتا و نیز تعویض کلمه "کودتا" به "انقلاب" چنین می نویسد: «نظم و همکاری مؤثر جمهوریخواهان [کودتاجیان] در تأمین امنیت عامه و حقوق مردم و امانت داری در حفظ بیت المال و جانبازی در تغییر نظام شاهی به جمهوری خواهانی که به صف اول مبارزه قرار داشته بودند، کمیته مرکزی دو رتبه و به متباقی یک رتبه ترفیع دادند، همچنان فیصله بعمل آمد تا با این تحول اجتماعی که بدون خونریزی و اذیت مردم صورت پذیرفته و زمینه تحولات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در افغانستان فراهم گردیده است، بجای "کودتا" باید "انقلاب" گفته شود.» (تأسیس و تخریب اولین... صفحه 176)

جنرال زکریا ابوی در مورد ترفیعات فوق العاده نظامیان کودتاجی می نویسد: «داؤد خان برای بدست داشتن [رضایت] رفقای کودتا حاتم بخشی نمود و رفقای عسکری را دو رتبه ترفیع داد (به استثنای جنرال مستغنی که خودش قبول نکرد) بیش از 6 هزار خورد ضابطان اردو را به رتبه صاحب منصبی ارتقا داد، مگر اینها درد را دوا نبود و چاره نتوانست، برعکس "توازن قدم" را که در یک اردو شرط مهم میباشد، برهم زد. از جانبی آن همه خورد ضابطان نقصان پولی و مالی دیدند و در ترفیعات بعدی شان معطلی ها رخ داد و به مقام و پرستیژ شان چیزی افزوده نشد. اینکار بدان ماند که پیاده دفتر را به نام مدیر صاحب خطاب کنید و بیچاره مجبور باشد لباس به سویه مدیریت پوشند، مگر کار و نان و جیب خرجش به سویه پیاده ادامه یابد. لذا آهسته آهسته آنها به

همین دلیل نارضايتی، درصاف مخالفان قرار گرفتند.» (ابوی، جنرال زکریا: مقاله "از کودتا تا کودتا"، مجله نامه خراسان، شماره دوم، سال اول، منتشره شمال کالیفورنیا، فبروری 1990، صفحه 45)

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په څیر و لولئ